

بحث پیرامون مسئله زنان ابعاد گسترده ای دارد. این بحث در رابطه با تمامی نظام های ارتجاعی صادق است. ولیکن در نظام جمهوری اسلامی (و کلا هر حکومت مذهبی) بحثی مضاعف را به پیش می کشد. حاکمیت مبتنی بر قیودات مذهبی، اساس آن را تشکیل می دهد. از جمله این موارد قوانین جمهوری اسلامی به عنوان ابزاری مردسالارانه و دین سالارانه است که تمامیت خویش را از کتابی به نام قرآن برگرفته است.

نمونه ای از آیات این کتاب به اصطلاح آسمانی آیه ۳۴ سوره نسا است که بر طبق آن مردان باید بر زنان مسلط باشند چرا که خداوند بعضی از انسانها را بر بعضی دیگر برتری بخشیده؛ از آن رو که مردان از اموال خویش برای زنان خرج می کنند. برداشت منطقی از عبارات فوق یعنی مخالفت مردان با اشتغال زنان که یکی از الزامات تسلط مردان بر زنان است. دلیل عامه پسندی که از سوی حاکمیت ارتجاعی و هم از سوی مردان در این رابطه ابراز می شود، گسترش فساد به واسطه حضور زنان در عرصه اجتماعی است. در منبع قانون گذاری حکومت اسلامی آشکارا بر حق مخالفت مردان با اشتغال زنان صحه گذاشته می شود.

رادیکالیسم یعنی اینکه تمامی مناسباتی که در آن انسان موجودی خوار شده، به حاشیه پرتاب شده و بی حرمت شده، به دور انداخته شود و تغییر یابد. ستم بر زنان زوایای گوناگونی دارد. نمونه بارز سنتی و ایدئولوژیک آن حجاب (چه اجباری چه اختیاری) است. ایدئولوژی پشت حجاب تقویت کننده ایده مالکیت مرد بر زن است. حجاب دیواری است برای حفظ مایملک مردان از دسترس بیگانگان. .

از منظرسیاسی ستم بر نیمی از جامعه و محدود کردن آنان بکار تحکیم حکومت می آید. اینکار از طریق جلب حمایت نیمه دیگر جامعه یعنی اکثریت مردانی که اسیر تفکرات پوسیده نسبت به زنان هستند، صورت می گیرد. نمونه عینی این سیاست شعار "بی حجابی زن از بی غیرتی مرد اوست" می باشد که توسط رژیم در جامعه پراکنده می شود. حجاب موجودیت زن را به زیر سوال می برد و عملکرد او را محدود می کند. مبارزه زنان برای آزادی پوشش بخشی از مبارزه آنان در جهت به دست آوردن حقوق دموکراتیک شان می باشد. اعتراض به پوشش، اعتراض به نظامی است که این حصار تحقیر را بدور زنان کشیده است. عملکرد حجاب اجباری فقط یک مسئله ایدئولوژیک نیست. بلکه اهداف مشخص سیاسی در بر دارد که از سوی سران حکومت علیه زنان به کار گرفته شده است. چرا که حکام مردسالار از قدرت و خشم زنان هراس دارند و می دانند که از کنترل آنها خارج است. به همین دلیل روزمره از هر راه و روشی در جهت سرکوب و ارباب و محدود کردن زنان استفاده می کنند. جمهوری اسلامی برای حفظ حامیان مرد سالار خود علاوه بر حجاب اجباری اقدامات متفاوت دیگری را جهت محدود کردن زنان به کار گرفته است. از جمله این اقدامات کاهش سهمیه دختران جهت ورود به دانشگاه است. یک نمونه دیگر، سخنان احمدی نژاد در تقدیس خانه نشینی و زایش مداوم زنان و تربیت نسل های آینده و عدم استفاده از زنان در پست های مدیریتی و مشاغل مناسب است. امری که در عدم اشتغال زنان تأثیر عمده دارد. زنان در شرایط کنونی اکثرا به فعالیت در مشاغل کارگری، منشیگری، معلمی و پرستاری می پردازند. دستمزد پایین تر زنان نسبت به مردانی که از وضعیت مشابه برخوردارند و سواستفاده جنسی از آنان در وضعیت های شغلی متفاوت، جزئی لاینفک از جامعه مبتنی بر ستم و استثمار است. از بین بردن این ستم جدا از نابودی طبقات نیست. اما بدون از بین بردن ستم جنسیتی هم نمی توان به نابودی طبقات دست یافت.

لزوم مبارزه با مناسبات اجتماعی حاکم بیش از پیش احساس می شود. حضور زنان در عرصه مبارزه به لحاظ داشتن بالاترین انگیزه ها در سرنگونی مظاهر ستم الزامی است. از سوی دیگر لزوم اتحاد جنبش های ترقی خواهانه دیگر از جمله جنبش کارگری و جنبش دانشجویی با جنبش زنان از اهمیت بالایی برخوردار است. کلیه جنبش های اجتماعی در مبارزه زنان برای آزادی و برابری منفعت دارند. زیرا ستم بر زن از پایه های نظام ستم و استثمار در ایران است. برگزاری مراسم 8 مارس در کارخانه ها توسط کارگران و در دانشگاهها توسط دانشجویان نشانه پیروزی برای این جنبش ها و همچنین جنبش زنان است. متأسفانه

آنچه تاکنون مشاهده شده تا حدودی آغشته بودن جنبش های مذکور به سنت های مردسالارانه است که اتحاد میان آنها و شکوفائی انرژی نیمی از فعالترین عناصر انقلابی جامعه را کند می کند. رهایی از قید و بند چنین سنت هایی یکی از الزامات مبارزات مردمی در دستیابی به جهانی آزاد و برابر است. باید اهمیت تاریخی و جهانی 8 مارس را به آگاهی عمومی همه مردم از هر گروه و قشر و طبقه ای تبدیل کرد. روز زنی که رژیم برای زنان انتخاب کرده را افشا و طرد کرد. روز فاطمه که تنها نشان دهنده زن فرمانبردار و مطیع است نه زن آزاد و مختار.

وظیفه همه نیروهای مبارز و رادیکال است که معیارهای غلط اخلاقی، سنتی و مذهبی غالب در جامعه را به کناری گذارند و معیارهای نوینی را در روابط اجتماعی خلق کنند که اصل آزادی و برابری در آن رعایت شده باشد. مبارزه زنان در ایران بخشی از جنبش جهانی زنان است. همسوئی و اتحاد زنان جهان برای پیروزی ضروری است. سالروز جنبش زنان فرصتی جهت ابراز این شعار همگانی و جهانی است.

همراه، همدل، همصدا خلق جهانی نو را فریاد کنیم!